

امکان‌سنجی احیای اخوان‌المسلمین بنا و فعال شدن آن  
در محور مقاومت اسلامی

حمید علیزاده<sup>1</sup>

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و دوم، شماره 1، پیاپی 85، بهار 1400؛ صفحات 74-45

تاریخ پذیرش نهایی: 1400/02/15

تاریخ دریافت: 1400/01/20

### چکیده

جنبش اخوان‌المسلمین روزگاری پیشتاز نهضت‌های اسلامی جهان اسلام بوده و نقش بسزایی در تحکیم پایه‌های دین و دین‌داری سیاسی داشته است. اما این جنبش در اوضاع سیاسی جدید جهان عرب و در مواجهه با تغییر رویکرد کشورهای عربی، متحول و گفتمان و تفکر سیاسی‌اش نسبت به دوره حسن البنا دگرگون شده است. از سویی محور مقاومت اسلامی خود را ذیل عناصر اساسی اسلام، عدالت و دفاع از مستضعفین جهان تعریف می‌کند، بنابراین گفتمان مقاومت از جهت ایجابی، اسلام‌گرایان و عدالت‌طلبان جهان را «خودی» و استعمارگران نوین یعنی ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی و دیگر ابعاد نظام سلطه را به عنوان «دیگری» تعریف می‌کند در نتیجه اخوان‌المسلمین نیز به عنوان یک جنبشی که «خودی» به شمار می‌آید از سوی جمهوری اسلامی ایران نیاز به احیای دوباره دارد تا در صورت امکان با محور مقاومت اسلامی در مقابل نظام سلطه همراه و همسو شود. پرسش اصلی این تحقیق این است که چگونه می‌توان اندیشه اخوانی را بازسازی کرد و با محوریت اندیشه‌های اصیل مقاومت منطبق ساخت؟ یافته‌های این تحقیق بیانگر این است که دو گفتمان یادشده از جهت اسلام‌گرایی، مبارزه با استکبار جهانی و تأکید بر آزادسازی قدس شریف مؤلفه‌های مشترکی دارند و محور مقاومت می‌تواند حداقل مشترکات خود را با اخوان‌المسلمین در نظر بگیرد و وارد گفت‌وگویی متقابل با آنها شود تا منافع ایران، منطقه و جهان اسلام را بهتر تأمین سازد.

واژگان کلیدی

اخوان‌المسلمین، مقاومت اسلامی، حسن البنا

مقدمه

با شروع قیام‌های مردمی در جهان عرب یکی از جریان‌های مهم، اثر گذار و منتفع از تغییرات سیاسی، اخوان‌المسلمین به شمار می‌رفت؛ اما این جنبش جایگاه خود را بعد از سقوط محمد مرسی در کشور مصر از دست داد و اخیراً نیز تنها پایگاه باقی مانده اخوان در کشور تونس تضعیف و متزلزل شد و حزب اسلامگرایی النهضه به حاشیه رانده شد. عدم موفقیت این جنبش موجب عقب‌گرد و ناامیدی پیروان این جنبش از رهبران و مرشدان سابق شده تا جایی که امروزه تعامل اخوان با محور ضد مقاومت گسترش یافته است و این اتفاق می‌تواند به عنوان تهدیدی برای جمهوری اسلامی باشد. از این‌رو بازگشت به سیاست تقریبی و ارتباط با اسلام سیاسی اهل سنت (اخوان المسلمین) در سطح منطقه‌ای امری ضروری برای جمهوری اسلامی ایران است.

اخوان المسلمین مصر، حزب عدالت و توسعه ترکیه، حماس فلسطین، حزب اصلاح یمن، حزب النهضه تونس و حزب عدالت و توسعه مغرب در مبانی فکری شبیه یکدیگرند و فقط در راهبرد، گفتمان و تاکتیک تفاوت دارند. در این میان ضرورت احیای اخوان‌المسلمین مصر که شاخه اصلی اخوان به شمار می‌رود و پل ارتباطی میان شاخه‌های این جریان در همه کشورهاست برای جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت می‌تواند مهم باشد. با توجه به اینکه امروز عملکرد میدانی اخوان مصر با تفکر البنا فاصله زیادی گرفته و انشعاب‌هایی درونش ایجاد شده است، ایجاد ائتلاف میان اخوان‌المسلمین و اسلام سیاسی شیعه ضروری به نظر می‌رسد. در واقع بازسازی اخوانی که نزدیک به محور مقاومت اسلامی باشد می‌تواند نویدبخش گشایش راه‌هایی نو برای مدیریت بحران‌های منطقه‌ای باشد.

حسن البنا به عنوان مرشد، مصلح و آموزگار، با ارائه نظریات اسلامی، نقشی برجسته در غنای نهضت اسلامی و جریان‌های اسلام سیاسی داشته است. (مجله پاسدار اسلام، ۱۳۹۱) حسن البنا بنیان‌های ساختاری و سازمانی جنبش را مشخص کرد و جهان‌بینی ترسیمی او همچنان تا به امروز مؤثر بوده است. دیدگاه‌های حسن البنا درباره تعهد سازمانی، طرفداری، تبعیت و رهبری همچنان تأثیرگذار است و ساختار اخوان را شکل می‌دهد. (العناني، ۱۳۹۸: ۸۷) از آنجا که تفکر اخوانی البنا به محور مقاومت اسلامی خیلی نزدیک است، در این پژوهش سعی شده بر اساس اندیشه بنیان‌گذار اخوان، راهکارهایی برای بازسازی اخوان پرداخته شود. بدین منظور ابتدا وضعیت فعلی اخوان‌المسلمین بازخوانی و سپس مؤلفه‌های مشترک و نقاط افتراق اخوان با محور مقاومت شناسایی شده و در آخر با شناسایی آسیب‌ها و ظرفیت‌هایی که در اخوان وجود دارد، راهکارهایی برای احیای اخوان‌المسلمین ارائه شده تا شاهد تعامل پایدار جریانی از اخوان‌المسلمینی که رویکردی نهضتی و مقاومتی به خود گرفته در سطح منطقه‌ای با محور مقاومت اسلامی باشیم. برای تحقق این امر باید در ساختار تصمیم‌گیری بیشتر به آن توجه و روی آن سرمایه‌گذاری شود.

با گذشت ۹۳ سال از تأسیس جمعیت اخوان المسلمین در مصر<sup>۱</sup> دامنه حضور آن در بیش از ۴۰ کشور جهان گسترش یافته است. در طول این مدت، جمعیت اخوان المسلمین فعالیت‌های سیاسی متعددی انجام داده و در برهه‌های زمانی مختلف در سطوح گوناگون سیاسی نظیر ریاست‌جمهوری، دولتی و پارلمانی نقش‌آفرینی کرده است. همچنین در برخی کشورها در رأس امور بوده و در برخی دیگر از جمله مصر، نظام حاکم برای انجام فعالیت‌هایش مانع ایجاد کرده است.

به‌رغم گستردگی دامنه حضور اخوان المسلمین و هوادارانش و همچنین بزرگ بودن ساختار و تشکیلات این جمعیت، فعالیت‌ها، ائتلاف‌های سیاسی و مواضع رسانه‌ای شخصیت‌های برجسته این جمعیت در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت بوده است؛ چنان‌که این فعالیت‌ها و مواضع در مراحل زمانی مختلف دچار تغییر و تحولاتی شده است.

اخوان المسلمین مدت‌هاست در مصر با وضعیت دشواری روبه‌روست. کمال حیب، پژوهشگر جنبش‌های اسلامی، معتقد است که رابطه رژیم فعلی مصر با سازمان اخوان المسلمین به نبردی وجودی تبدیل شده است و این فقط یک اختلاف سیاسی نیست. به عقیده استاد علوم سیاسی دانشگاه قاهره، مصطفی کامل السید، سازمان اخوان به پایان نرسیده و برای آنها دشوار است در شرایط فعلی در مصر ظاهر شوند، زیرا ضعف اقتصادی و فقدان سازمان‌های سیاسی که جوانان را در خود جای دهد، همچنان وجود دارد. (فرانس ۲۴، ۲۰۲۱)

زمانی که «دارالافتاء مصر» فتوای «هیئت علمای عربستان» را مبنی بر «تروریستی خواندن اخوان» تأیید کرد، این فتوا حاکی از آن است که پرونده این جماعت در این دو کشور بسته شده است و فرصتی برای بازگشایی آن وجود ندارد؛ بنابراین در روابط این جماعت با دولت مصر هیچ تغییری ایجاد نخواهد نشد، زیرا ائتلافی عربی-اسلامی علیه آن صورت گرفته است که حضور اخوان را در صحنه سیاسی و اجتماعی نمی‌پذیرد. (محمد، ۲۰۲۰)

امروز بسیاری از رهبران اخوان به شدت سرکوب شده‌اند یا در زندان هستند. روزنامه‌هایشان تعطیل است و حق فعالیت نیز ندارند و این مسئله جامعه مصر را دوقطبی‌تر کرده است. البته عملکرد حکومت السیسی به گونه‌ای بوده است که مردم کم‌کم نگاه معتدل‌تری نسبت به دوره حکومت اخوان پیدا کرده‌اند. با این حال به تلاش زیادی نیاز است؛ زیرا قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از یک سو و جریان‌های سکولار و نیروهای نظامی از سوی دیگر به هیچ وجه اجازه ورود دوباره اخوان به اریکه قدرت را نمی‌دهند. دست‌کم در کوتاه‌مدت این‌گونه به نظر می‌رسد. حتی اخوانی‌های تونس به این

۱. این جنبش در سال ۱۹۲۸ م (۱۳۰۷ش/۱۳۴۷ق) در شهر اسماعیلیه مصر به رهبری حسن البنا بنیان نهاده شد.



نتیجه رسیده‌اند که برای اینکه دچار مشکل اخوان مصر نشوند به نحوی خود را سکولار جلوه بدهند، مباحثات کنند و امتیاز بدهند. (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۸)

ابراهیم منیر در مصاحبه‌ای اعلام کرده است: پس از کودتا فکر می‌کردیم با گذشت یک سال ماجرا جمع می‌شود و ما به مصر برمی‌گردیم؛ اما الان بعد از ۷ سال به این نتیجه رسیده‌ایم که باید وحدت داشته باشیم و اختلافات را کنار بگذاریم تا تشکیلات را بازسازی کنیم. اینکه درون اخوان چه اتفاقی می‌افتد خیلی واضح نیست، اما ظاهر قضیه شاید برطرف شدن اختلافات است؛ هرچند نمی‌توان در مورد جماعتی که عادت دارد درباره تحولات درونی خود چیزی بروز ندهد، اظهار نظر قطعی کرد. (سایت شعوبا، ۱۳۹۹)

جمعیت اخوان المسلمین به دو گروه تبدیل شده است. گروه اول، گروهی کوچک است که معتقد است نبرد ادامه دارد و جمعیت اخوان المسلمین همچنان در حال امتحان شدن است. به اعتقاد این گروه، امتحان الهی ممکن است ۳، ۴ یا ۵ سال طول بکشد. اگر امروز به قاهره، پایتخت مصر بروید، نگاهشده‌های فراوانی روی دیوار خواهید یافت که جملگی می‌گویند «نصرت و یاری پروردگار نزدیک است». این دسته از اعضای اخوان المسلمین قائل به ادامه نبرد و تداوم امتحان ایمانی هستند و می‌گویند خواسته خداوند این است که در مسیر ایمان‌مان ثابت قدم باشیم. این دسته از اخوانی‌ها بر این باورند که اگر به مقاومت ادامه دهند، خداوند سختی‌ها و مشقت‌های پیش روی‌شان را از بین می‌برد.

با این حال، گروهی بزرگ از اخوانی‌ها در فهم و درک «جبرگرایی دینی» به خط‌مشی سنتی بازگشته‌اند. آنها معتقدند اخوان المسلمین هنوز برای تکیه زدن بر کرسی قدرت به پختگی کامل نرسیده است. این دسته از اخوانی‌ها می‌گویند جمعیت متبوع‌شان پیش از موعدی که باید، به قدرت رسید؛ در حالی که اعضای اخوان به تربیت و پرورش بیش از گذشته نیاز دارند. به هر حال، هر دو گروه، رهبران اخوانی را سرزنش می‌کنند؛ گروه اول، به این علت که رهبران اخوان به مبارزه و نبرد ادامه ندادند و گروه دوم به این دلیل که رهبران اخوان زودتر از موعد، قدرت را به دست گرفتند. گروه دوم اخوان از دسته اول نیز انتقاد می‌کنند و به مردم می‌گویند: شما باید آنچه را در حوادث رابعه العدویه از آنها [گروه اول اخوان] شنیدید، فراموش کنید. آنها افراد و شخصیت‌هایی رادیکال هستند که تنها از جانب خود سخن می‌گویند؛ اما ما کسانی هستیم که شما از ۸۵ سال پیش ما را می‌شناسید. (موقع الجزیره، ۲۰۱۷)

حدود دو میلیون و خورده‌ای مصری و نزدیک چند صد هزار کادر اخوان المسلمین مصر در عربستان حضور دارند. معروف است بزرگ‌ترین تشکیلات اخوان مصر در خارج از این کشور اخوانی‌های داخل عربستان هستند. در اروپا و آمریکا کل تشکیلاتی که یوسف ندا و اطرافیانش راه

انداخته بودند، بعد از ۱۱ سپتامبر ضربه خورد و از نقش کلیدی که داشت، ساقط شد. آنها هیچ وقت روی ایران به عنوان بازیگری حامی نمی‌توانند حساب کنند. تنها عقبه‌ای که برایشان مانده است و به آن امید دارند، تشکیلات اخوانی است. (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹)

جماعت اخوان برای مقابله با طوفان انحلال قانونی خود، تاکتیکی پیش گرفته است تا با احیای اصطلاح قدیمی و تاریخی «الحركة الإسلامية»، از حجم فشارها بکاهد. اخوان المسلمین می‌کوشد تصمیم‌های قضایی سال گذشته دیوان عالی مبنی بر انحلال این جماعت و غیر قانونی دانستن آن را دور بزند؛ بنابراین درصدد است به جای جماعت «اخوان» از عنوان «الحركة الإسلامية/جنبش اسلامی» استفاده کند. نکته درخور توجه آن است که این جماعت در ادبیات، گزارش‌های داخلی، فضای مجازی، رسانه‌ها و بیانیه‌هایی که صادر می‌کند این اصطلاح را به کار می‌برد. به نظر می‌رسد اخوان المسلمین به خوبی دریافته وضعیت قانونی آن ضعیف و رو به شکست است و عنوان «جماعت اخوان» بار سنگینی بر آن تحمیل می‌کند. بنابراین برای اینکه چند صباحی بیشتر دوام آورد، زیر پرچم حزب «جبهه العمل الإسلامية» پناهنده شد تا به عنوان آخرین سپر قانونی و مجاز از آن استفاده کند، زیرا پیشتر انجمن «المركز الإسلامي»، به عنوان بازوی مالی، خود را نیز از دست داده بود. در هر صورت، این جماعت در بدترین وضعیت به سر می‌برد تا جایی که شبکه «یرموک» به عنوان آخرین تریبون رسانه‌ای آن، اجازه پخش مستقیم نیافت. امروز جماعت اخوان به بند کشیده شده است و به‌رغم کوشش نمایندگان در پارلمان، نمی‌تواند احکامی را که برایش صادر شده است پیگیری کند. (جفرا نیوز، ۲۰۲۱)

#### مؤلفه‌های مشترک اخوان با محور مقاومت

گسترده‌گی جغرافیایی اندیشه اخوان المسلمین و میزان روابط اعتقادی و سیاسی آنان با شیعیان، بیش از آنکه تحت تأثیر موانع جغرافیایی باشد، از «افت و خیزهای تاریخی» تبعیت می‌کند؛ زیرا پیروان مذاهب شیعی در داخل محیط جغرافیایی امت اسلامی رشد کرده و زیسته‌اند و همچنان در عمق آن قرار دارند. هرچند میان گروه‌هایی که مکتب اخوان را به عنوان مرجع اندیشه خویش پذیرفته‌اند، تفاوت‌هایی دیده می‌شود، ولی این تفاوت، به دگرگونی‌های دائم و ابداع‌های جهشی در نسل‌های متفاوت اخوانی‌ها باز می‌گردد که زاده تفاوت در محیط‌های زیستی و تفاوت‌های فرهنگی - تربیتی آنها در نقاط و محیط‌های مختلف جهان است. (خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۱۶۰)

حسن‌البناء و آیت‌الله قمی از زمانی که تلاش کردند تا تقریب بین مذاهب اسلامی ایجاد کنند، همکاری میان اخوان المسلمین و شیعیان برقرار شد که در نهایت به دیدار نواب صفوی در سال ۱۹۵۴ از مصر انجامید. (آقایی و صفوی، ۱۳۶۵: ۱۹) حسن‌البناء در رساله‌ای با عنوان «الی

الشباب» که به نوعی متأثر از نظریه احیای خلافت اسلامی است، بیان می‌کند: «... ما هیچ‌گاه در برابر آزادی این مردم و حکومت استبدادی دیگران سکوت نمی‌کنیم... مصر، سوریه، عراق، حجاز، یمن، تونس، لیبی، ایران و هر سرزمینی را که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند و به لاله‌الاله باور دارند، میهن اسلامی خویش تلقی می‌کنیم و برای آزادی و نجات آنها و ایجاد وحدت دوباره میان آنها از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد.» (الغزالی، ۱۹۸۷: ۷۵) بنابراین از لحاظ ایدئولوژیک هم ایران و هم اخوان المسلمین به دنبال تأسیس حکومت اسلامی و وحدت میان مسلمانان هستند. اهداف منطقه‌ای مانند آزادسازی فلسطین و مبارزه با اسرائیل نیز میان آنها مشترک است.

هم اخوان المسلمین و هم شیعه سیاسی، تحت تأثیر نگاهی که به نقش اجتماعی اسلام دارند یعنی تلاش برای مساوات و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی، حرکت خود را آغاز کرده‌اند. هر دو مخالف ایده هژمونی غرب در منطقه و عوامل منطقه‌ای آن مانند اسرائیل یا حکومت‌های عرب هستند. هر دو یمن را نمونه کاملی از ظلم و بی‌عدالتی می‌دانند. هر دو معتقدند سبک زندگی و فساد برخی خاندان‌های سلطنتی عرب، توهینی به موازین اخلاقی اسلام است. (میدل ایست آی، ۱۳۹۷)

کمال بن یونس، نویسنده سیاسی، درباره عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی اظهار داشت: «همه احزاب ایدئولوژیک مواضع خود را در مورد چندین موضوع از جمله مبارزه با امپریالیسم تغییر داده‌اند.» بنابراین یکی از دلایلی که موجب شد احزاب اسلامی در تونس و مصر قدرت خود را از دست بدهند حمایت از فلسطین بود. (المیادین نت، ۲۰۲۰)

#### افتراق میان اخوان و محور مقاومت

در عرصه منطقه‌ای اخوان با تشدید منازعات مذهبی علیه تشیع و محور مقاومت اسلامی در سوریه و یمن عملاً روبه‌روی محور مقاومت اسلامی قرار گرفته و به چالش‌های منطقه‌ای دامن زده است. اخوان با شیعه و محور مقاومت اسلامی بر سر دو چیز اختلاف دارد: یکی، نظریه کلامی امامت و دیگری تئوری رهبری ولی فقیه. اخوان که به طور کلی فاقد رهبری است، انتقادهای خود را به این قسمت وارد کرده است.

همچنین نگاه اخوان به سیاست و حکومت با محور مقاومت متفاوت است و در شیوه‌های مبارزه هم تفاوت‌هایی وجود دارد. به باور اهل تسنن، جماعت تعیین‌کننده حاکمیت سیاسی اند، در حالی که به باور تشیع، تنها امام مشروعیت حاکمیت بر امت را دارد. (بیات، ۱۳۷۹: ۹۱ و ۹۲) حضرت امام «جمهوری اسلامی» را مطرح کردند و در مقابل، اخوان المسلمین تمدن یا خلافت اسلامی را مطرح کردند. ما ولایت فقیه را امتداد امامت می‌دانیم و امامت امتداد نبوت و رسالت و در واقع الله است؛ اما اخوان المسلمین چنین نگاهی ندارد، بلکه نگاه‌شان ابتر است؛ از این رو در

گزینش خلافت و تعیین خلیفه، چهار راه را مطرح می‌کنند: استخلاف، انتصاب، شورا و حل و عقد. (مؤسسه اندیشه‌سازان نور، سید افقهی، ۱۳۹۹)

#### آسیب‌شناسی و دلایل دوری اخوان از محور مقاومت اسلامی

با اینکه سازمان اخوان المسلمین در سراسر جهان اسلام و عرب منشأ خدماتی برای دنیای اسلام بوده است، اما در روند حرکت و مراحل تاریخی خود بسان هر نهاد دیگری در عرصه عمل و حرکت مرتکب اشتباه‌هایی شده که این جماعت را از مکتب سلف خود دور کرده است. در زیر به بررسی دلایل دوری اخوان از محور مقاومت اسلامی پرداخته‌ایم:

۱. نزدیکی به گفتمان سلفی‌گری: اخوانی‌ها در دهه ۱۹۸۰ به بعد با برقراری رابطه با نیروهای سلفی - وهابی برآمده از خاندان آل شیخ در عربستان سعودی، صاحب نوعی اندیشه تکفیری شدند که به سلفی‌گری وهابیون نزدیک بود؛ به عبارت دیگر گرچه تکفیر در اندیشه معاصر اخوانی‌ها از تکفیر حکام شروع شد، اما تا حدودی به تکفیر سایر مسلمین نیز انجامید. از این رو گفتمان اخوان با اصول و مبانی اولیه مؤسس این جنبش فاصله زیادی پیدا کرد. (مجله نامه جامعه، ۱۳۹۲)

به گفته حسن ابو هنیه، کارشناس اردنی، شکست دولت اخوان در مصر موجب جذب افراد بیشتری به القاعده و گفتمان سلفی شد. به ادعای المانیتور، پس از افول اخوان المسلمین، جریان جهادی و سلفی در حال افزایش و گسترش است و اردن نیز به زودی خود را در مرکز این پدیده خواهد یافت. بر اساس گزارش‌ها، در شهرهای معان و زرقا حمایت مردمی از سلفیت جهادی بیشتر شده است. (al-Sharif, 2013)

اخوان با بهره‌گیری از تحزب‌گرایی، کثرت‌گرایی دموکراتیک را مهم‌ترین رکن تشکیلاتی برای دستیابی به اهداف سیاسی خود قرار داد. اتخاذ رویکردهای دموکراتیک در تعامل با نظام‌های سیاسی اقتدارگرا و بسته حاکم بر مصر محدودیت‌های زیادی سر راه کنشگری اخوان ایجاد کرد. (میشل، ۱۳۹۵: ۴۰) ناتوانی اخوان در ترکیب ساختار دموکراتیک با الگوهای انقلابی سبب شد که این جنبش نتواند بخشی از جامعه مصر را در خود ادغام کند. همچنین وجود جریان‌های جهادی موازی با اخوان المسلمین در مصر سبب شد که این جریان کلیت و شمولیت تام بر مصر نداشته باشد و همواره بخشی از توان خود را صرف خنثی‌سازی جریان‌های رقیب کند. به هر حال اخوان المسلمین به عنوان جنبشی ضد هژمونیک، کارایی لازم را برای جذب جامعه مدنی مصر به منظور تأثیرگذاری بر تحولات داخلی این کشور از دست داد. (قاسم، ۱۳۸۷: ۲۵)

۲. پیوستن به داعش: مشی اصلی اخوان مشی مسالمت‌آمیز است، اما بخش کوچکی از جوانان اخوان یا بهتر است بگوییم بخش جدانشده از اخوان در لایه‌های مختلف به داعش پیوسته‌اند.

عده‌ای از اخوان مصر در صحرای سینا به داعش ملحق شدند. کسانی که آتش‌شان تند بود، وقتی دیدند سازکارهای سیاسی و مسالمت‌جویانه جواب نداد، سرخورده شدند. مشکل اخوان این است که در فضای نهضتی هیچ برنامه ملموس و درستی پیش روی خود نمی‌بیند. جوان‌های اخوانی پس از سر خورده شدن یا لیبرال می‌شوند یا جهادی زیرا برای اخوان حد وسطی تعریف نشده است. (مؤسسه اندیشه‌سازان نور، طلایی، ۱۳۹۹)

۳. پای‌بند نبودن اعضا به تفکر و اندیشه حسن‌البناء: دیدگاه‌ها و مواضع پیشگامان مکتب‌های فکری و ایدئولوژیک گاه بسیار از هم متفاوت است، اما این اختلاف نظرها تا زمانی که به درگیری و خشونت کشیده نشوند، پدیده‌ای منفی تلقی نمی‌شوند. در جمعیت اخوان‌المسلمین شاهد رقابت و اختلافاتی میان جریان اصلاح‌گر و جریان انقلابی هستیم.

اکنون اخوان‌المسلمین در مسیر تحقق دستاوردهای سیاسی ارزشمند خود حرکت نمی‌کند؛ چنان که فعالیت‌های سیاسی این جمعیت با ابهام، سرگردانی و آشفتگی همراه است. علت این سرگردانی و آشفتگی آن است که اخوان‌المسلمین اندیشمندان و تنوریسین‌های سیاسی ندارد.

عده‌ای اختلافات پیشگامان اخوان‌المسلمین در عرصه‌های مختلف را تاکتیکی و کوتاه‌مدت می‌دانند و معتقدند شخصیت‌های مشهور اخوان از اصلاح‌گرایان و محافظه‌کاران در خصوص چارچوب‌های کلی در سطح ایدئولوژیک با یکدیگر هم‌رأی هستند. (العنانی، ۲۰۱۶: ۲۱۸)

اما واقعیت آن است که اختلافات و تناقضات در مواضع و دیدگاه‌های شخصیت‌های مشهور و اندیشمندان اخوان‌المسلمین در ادوار مختلف تاریخی و در کشورهای مختلف وجود داشته است. برخی بر این باورند که جمعیت اخوان‌المسلمین مشکل فکری دارد و همچنان بر مبنای میراث حسن‌البناء و مؤسسان اولیه خود پیش می‌رود و هیچ‌گونه ارتقای فکری در طول سالیان گذشته نداشته است. (الریسونی، ۲۰۱۶)

۴. فاصله گرفتن اخوان از شمولیت اسلام: اگر بخواهیم میان تنوری شمولیت اسلام و نحوه عملکرد اخوان‌المسلمین بر اساس این تنوری مقایسه‌ای انجام دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که اندیشه اخوانی‌ها که قائل به شمولیت اسلام هستند، در حوزه‌های نظری و عملی با یکدیگر تطابق ندارد. در واقع معانی و مفاهیمی که همواره در ساختار جمعیت اخوان‌المسلمین بر آنها تأکید شده، محدود و محصور به برخی ابعاد بوده است. برای نمونه، این مفاهیم همواره در مرکزیت شمولیت اسلام، عبادت، اخلاص، اعتقاد به ربانیت، انجام فرایض، اهتمام به رفتارهای اخلاقی، به جای آوردن حق برادری اسلامی، حرام و حلال بودن اموال و دارایی، لزوم اعتماد به رهبران سازمان، تبعیت از رهبران سازمان و... محدود و محصور بوده‌اند. (فتحی، ۲۰۱۷) بدیهی است حاکم بودن چنین فرهنگی بر ساختار اخوان‌المسلمین نمی‌تواند زمینه‌ساز تحقق اهداف بزرگ این جمعیت که





حسن‌البناء به آن اشاره کرده است، باشد.

این مسئله در قضایای سیاسی بیشتر خود را نشان داده است. به همین دلیل در صفوف اخوان المسلمین یک هدف سیاسی مشخص که با امور عمومی مرتبط باشد، وجود ندارد. افزون بر این، اخوانی‌ها نسبت به ماهیت شایستگی‌هایی که باید در اعضای خود ایجاد کنند، برآورد درستی نداشته‌اند. به همین دلیل نتوانستند اعضای خود را به گونه‌ای پرورش دهند که با اهداف بزرگ جمعیت و نیز تئوری شمولیت اسلام تناسب داشته باشند.

۵. ایدئولوژی مبهم و آمیخته با عمل‌گرایی: ایدئولوژی جمعیت اخوان المسلمین ویژگی‌های متعددی دارد. با اینکه این جمعیت به مرجع بودن اسلام به عنوان یک دین قائل است، اما چارچوب دینی جمعیت در طول تاریخ دچار تفسیرها و تأویل‌های مختلفی شده که در بسیاری موارد نتیجه‌ای جز تضاد و تناقض نداشته و حتی موجب رقابت میان اتباع اخوان المسلمین شده است. یکی از درگیری‌ها و مناقشات اصلی و اساسی در مصر ناشی از وجود انواع دین‌داری در جامعه بوده است. نباید از این مسئله غافل شد که عوامل متعددی مانند فعالیت‌های نهادها و مؤسسات و نیز منافع و مصالح برخی طرف‌های داخلی و خارجی به چنددستگی دینی در جامعه مصر دامن زده است.

طبیعت و ماهیت ایدئولوژی ادیان به گونه‌ای است که راه را به روی تفسیرها و تأویل‌های مختلف باز می‌گذارد و به اشکال مختلف ظهور و بروز می‌کند. در واقع ایدئولوژی ادیان از مقولات دینی برای توجیه انتخاب‌ها و گرایش‌های اقتصادی و اجتماعی بهره‌برداری می‌کند. حتی در بسیاری موارد، میان این گرایش‌ها تناقض‌های فراوانی دیده می‌شود، اما ایدئولوژی ادیان توجهی به این تناقض‌ها نمی‌کند. گفتمان هویتی را در چارچوب مسئله اجتماعی درک می‌کنم. علت این مسئله آن است که می‌توان از گفتمان هویتی برای تمایز قائل شدن میان تمدن‌ها استفاده کرد؛ چنان که این گفتمان قادر است یک الگوی مترقی مستقل ایجاد کند. بدون برخورداری از گفتمان هویتی نمی‌توان به آزادی و رهایی دست پیدا کرد؛ چنان‌که بدون چنین گفتمانی حل و فصل مسئله اجتماعی میسر نخواهد بود و فقدان این گفتمان به ما اجازه رشد و توسعه را نخواهد داد.

محمود هدهود، پژوهشگر مصری، تأکید می‌کند: «واقعیت این است که جمعیت اخوان المسلمین در طول تاریخ خود هیچ‌گاه برای اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای اقتصادی و اجتماعی یا حتی یک سیاست و راهبرد مشخص تلاش نکرد. این جمعیت همواره خود را به عنوان یک طرف مستقل خارج از جامعه و حاکمیت مطرح کرده و افکار و اندیشه‌های همواره فاقد مضامین اجتماعی بوده است.» (هدهود، ۲۰۲۰: ۱۲۵) در واقع، این اقدامات و گام‌های عملی ویژگی‌ها و نشانه‌های ایدئولوژی را ترسیم می‌کند؛ بنابراین اگر پژوهشگران به بررسی و تحلیل متون مختلف بدون در نظر گرفتن اقدامات و گام‌های عملی بپردازند، مرتکب اشتباهی فاحش در فرایند تحقیق و پژوهش شده‌اند؛ زیرا گام‌های

عملی اخوان المسلمین همواره از هرگونه تئوری نظری پیشی گرفته است. این بدان معناست که سلسله اقدامات و گام‌های عملی اسلام‌گرایان تئوری و ایدئولوژی آنها را ترسیم می‌کند و نه برعکس.

درست به همین دلیل مواضع ایدئولوژیک اسلام‌گرایان همواره هم‌زمان با تغییر و تحولاتی که به وقوع پیوسته، تغییر کرده است. آنها از سوسیالیسم اسلامی به سرمایه‌داری و سپس نئولیبرالیسم رسیدند؛ چنان که از دشمنی و خصومت با چند حزبی به دموکراسی لیبرالی ایمان آوردند. نکته درخور تأمل در این زمینه آن است که اسلام‌گرایان در هر برهه‌ای که مواضع ایدئولوژیک خود را تغییر دادند برای توجیه این اقدام خود به مقولات دینی متوسل شدند. اسلام‌گرایان [اخوان المسلمین] در عین حال تلاش کردند در قامت عملگرایی ظهور و بروز پیدا کنند. خلیل العنانی، پژوهشگر مصری بر این باور است که سیاست‌های نئولیبرالیستی اخوان المسلمین پس از سال ۲۰۱۱ را باید در سلسله تلاش‌هایشان برای جلب نظر غرب جست‌وجو کرد. العنانی در ادامه می‌گوید: «اسلام‌گرایان به‌رغم اینکه خود را حامی و حافظ منافع و مصالح فقرا معرفی کردند، اما در آغوش طبقه سرمایه‌داران بزرگ دوران حکمرانی حسنی مبارک قرار گرفتند.» (همان، ۱۲۸)

این پژوهشگر مصری در ادامه سخنان خود یادآور می‌شود: «نئولیبرالیسم همان چیزی است که جمعیت اخوان المسلمین را به دنیای خارجی و اقتصاد جهانی پیوند می‌دهد. نئولیبرالیسم همچنین موجب شد تا اخوانی‌ها با نخبه‌های داخلی نیز به دلیل نفوذ گسترده آنها در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی، ارتباط برقرار کنند.» (همان، ۱۳۲) در اینجا نیز یکی از پارادوکس‌های بزرگ آشکار می‌شود، زیرا بخش مهمی از اهداف و انگیزه‌های انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ در مصر در اعتراض به سیاست‌های نئولیبرالیستی حسنی مبارک خلاصه می‌شد؛ اما اخوانی‌ها زمانی که به قدرت رسیدند درست همین سیاست را پیش گرفتند. همین مسئله نیز موجب شد که محبوبیت‌شان را نزد مردم از دست بدهند و در نهایت به زیر کشیده شوند. اخوانی‌ها در زمان حکمرانی حسنی مبارک از وی انتقاد می‌کردند که از پرداختن به نقش‌های خود در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی دست کشیده است؛ با این حال زمانی که خود به قدرت رسیدند از ایفای نقش‌شان در عرصه‌های مذکور صرف نظر کردند.

خلیل العنانی، پژوهشگر مصری، بر این باور است که سیاست‌های نئولیبرالیستی اخوان المسلمین پس از سال ۲۰۱۱ را باید در سلسله تلاش‌هایشان برای جلب نظر غرب جست‌وجو کرد. این پژوهشگر مصری در ادامه می‌گوید: «اخوان المسلمین با اینکه خود را حامی و حافظ منافع و مصالح فقرا معرفی کردند، اما در آغوش طبقه سرمایه‌داران بزرگ دوران حکمرانی حسنی مبارک قرار گرفتند.» (Al-Anani, 2020: 4)

برخی برای توجیه سیاست‌ها و راهبردهای اخوان المسلمین می‌گویند که این جمعیت در سیاست نئولیبرالیستی خود مسیری نور را پیش گرفته است که در آن ابعاد مختلف دیانت،



فعالیت‌های خیرخواهانه و در عین حال فعالیت‌های مختلف اقتصادی به چشم می‌خورد. با این حال، در این راهبرد از مقولات دینی برای مشروعیت‌بخشی به سیاست‌ها و رفتارها بهره‌برداری شده است. باید گفت بورژوازی اخوانی دارای ویژگی‌های بورژوازی عربی است، به گونه‌ای که اقتصاد رانتی در آن دیده می‌شود. در اقتصاد رانتی نفت و احتکار سیطره دارد و در آن هیچ خبری از سرمایه‌گذاری در عرصه‌های صنعت و تکنولوژی پیشرفته نیست. (جعفر، ۲۰۲۰)

۶. رفتار انتقادی به جای ارائه راهبرد: این ویژگی تنها متعلق به اخوان المسلمین نیست، بلکه سایر احزاب و جریان‌های معارض مصری را نیز شامل می‌شود. واقعیت آن است که نظام مبارک، معارضان سیاسی از جمله اخوانی‌ها را حتی از اندیشیدن در این باره که ممکن است روزی کرسی‌های قدرت را به دست گیرند، محروم کرد. به همین دلیل، انقلاب ژانویه آنها [اخوانی‌ها و معارضان] را به شدت غافلگیر ساخت. اینکه اخوانی‌ها در دوره حکمرانی حسنی مبارک هیچ پست و مسئولیتی در نهادها و مؤسسات دولتی و حاکمیتی نداشتند موجب شد که هیچ‌گاه معنای قدرت و نحوه فعالیت در نهادهای حاکمیتی را درک نکنند. از این رو آنها حتی زمانی که در قدرت بودند، به جای ارائه سیاست و راهبرد، مانند احزاب و جریان‌های معارض و به صورت اعتراضی و انتقادی رفتار کردند! خلاصه اینکه اخوان المسلمین زمانی که بر اریکه قدرت در مصر تکیه زد، نمی‌دانست چگونه باید با بحران‌ها، مشکلات و معضلات در مصر برخورد کند و به همین دلیل نتوانست هیچ راهبرد اقتصادی و اجتماعی منسجمی برای برون‌رفت از بحران‌های مختلف مصر ارائه دهد. (همان)

۷. تزلزل پایگاه اجتماعی: اخوانی‌ها در سال‌های اخیر به لحاظ روانی، تشکیلاتی و فکری به شدت آسیب دیده‌اند و جایگاه اجتماعی‌شان مانند گذشته نیست. آنها شعار «الاسلام هو الحل» را حدود هشتاد سال سر داده بودند؛ اما در یک حرکت تاکتیکی پیش از پیروزی انقلابیون مصری این شعار ناگهان محو شد و در هیچ‌یک از تظاهرات اعتراض‌آمیز مردمی وجود نداشت. این مسئله مقدری پایگاه اجتماعی اخوانی‌ها را متزلزل کرد. پس از تحولات منطقه نیز اخوانی‌ها در تونس، در خود مصر یا در برخی کشورهای حوزه خلیج فارس درگیر نوعی فضای امنیتی شدند. بسیاری از رهبران اخوان زندانی شدند و شیرازه تشکیلات اخوان به عنوان بزرگ‌ترین تشکیلات اسلام سیاسی، فکری و فرهنگی در جهان اهل سنت فروپاشید. اگر بخواهیم دقیق‌تر بررسی کنیم، این رویداد هم محصول فضای امنیتی و هم نوعی گسست بین خودشان و جامعه بود. به هر حال سرکوب هواداران اخوان در میدان الرابعه که آمار کشته‌های آن بین ۲ تا ۱۰ هزار نفر، آن هم در یک شبانه‌روز اعلام شده، به نوعی نشان دادن ضرب شست نیروهای امنیتی به معترضان بود که آثار مهمی داشت. عامل بعدی را می‌توان ناشی از انزوای بی‌سابقه روشنفکران، نویسندگان و بسیاری از مراکز پژوهشی و شخصیت‌ها اعم از اسلام‌گرا، سکولار و ناسیونالیست بر اثر فشارهای حکومت دانست. رسانه‌ها زمانی در مصر حرف



نخست را می‌زدند و قدرت ساماندهی و سازماندهی و در واقع راهبری جامعه را داشتند، اما اکنون شاهد انزوای شدید فکری آنها هستیم. (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۸)

۸. ناامیدی یا تشکیک جامعه نسبت به اخوان: مردم از تجربه کوتاه‌مدت حکمرانی اخوان برداشت مثبتی ندارند. از سوی دیگر وضعیت اقتصادی امروز مصر بسیار دشوار و بحرانی است و همه به دنبال یک لقمه نان هستند. کمک‌های آمریکا به مصر تا حدود زیادی کاهش یافته و کمک‌های عربستان نیز مشروط شده است. کاهش قیمت نفت و افزایش هزینه‌های تسلیحاتی برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس در کاهش کمک‌ها مؤثر بوده است. از سوی دیگر صنعت توریسم که منبع درآمد اصلی مردم مصر بوده به دلیل تحولات سیاسی و ناامنی‌ها افول کرده است و بسیاری از افراد جامعه دغدغه‌های اقتصادی جدی و فراوان دارند. وضعیت اقتصادی امروز جامعه مصر واقعا کم‌سابقه یا حتی بی‌سابقه است. علاوه بر این آنچه در سوریه، لیبی و بسیاری کشورهای منطقه اتفاق افتاده، نگرانی‌هایی را بین مردم و برخی نخبگان به وجود آورده است؛ از این رو هرگونه حرکت ضد حکومت موجب فروپاشی جامعه و کل کشور می‌شود. البته حکومت فعلی مصر نیز نقش مهمی در القای این نگرانی بین مردم داشته است. (همان)

۹. تغییر گفتمانی اخوان المسلمین: از زمانی که اسلام‌گرایی در مقابل گرایش‌های دیگر به جوانان عرب هویتی دوباره بخشید و از وقتی اخوان به عنوان پیش‌ران این هویت جدید پا به عرصه وجود گذاشت، حوادث گوناگون مسیر گفتمان و عمل این گروه را تغییر داده است. آخرین رویدادی که تأثیر زیادی روی اخوانی‌ها داشت، «بهار عربی» بود. در وضعیت فعلی این سؤال مطرح است که در عرصه کنونی و در رقابت میان گفتمان‌های اسلام‌گرا (گفتمان مقاومت، گفتمان سلفی - تکفیری و گفتمان اخوانی) در کشورهای مصر، سودان، لیبی، تونس، الجزایر و مغرب چه بر سر گفتمان اخوان آمده که از اخوان حسن‌البناء فاصله گرفته و به همگرایی با آمریکا و اگرایی با محور مقاومت رو آورده است؟ ناظران و تحلیلگران اندیشه سیاسی در اوضاع سیاسی جدید جهان عرب و در مواجهه با تغییر رویکرد کشورهای عربی، بر این گزاره تأکید دارند که گفتمان و تفکر سیاسی اخوان المسلمین دگرگون شده است، به طوری که اکنون شاهد تغییرات گفتمانی اخوان المسلمین هستیم. (علیزاده، ۱۳۹۹: ۴۷)

تحول کلانی که قبل و بعد از بهار عربی در گفتمان اخوان المسلمین شکل گرفت، تحول در دال و شعار مرکزی اخوان بود.<sup>۱</sup> عقب‌نشینی از شعارهای اسلامی تا آنجا پیش رفت که برخی اخوانی‌ها می‌گفتند نه تنها رئیس‌جمهور، بلکه حتی اگر مرشد اخوان و رئیس حزب ما هم غیرمسلمان باشد، او را می‌پذیریم. البته این تحولات در کشورهای مختلف به شکل‌های متفاوت نمایان شد. در

۱. یعنی دیگر در گفتمان اخوان کنونی شعار «الاسلام هو الحل» شنیده نمی‌شود.

مصر، مرسی با مطرح کردن نگاه فراگیرتر توانست پیروز شود. اخوان تونس بعد از شکست اخوان مصر، درس گرفت و تساهل بیشتری به خرج داد و با گروه‌های دیگر وارد ائتلاف شد. آقای غنوشی هم ترجیح داد از الگوی اسلامی ترکیه و مالزی سخن بگوید. در مجموع به نظر می‌رسد اخوانی‌ها پس از ورود چند ساله به یک معرکه سهمگین، اکنون در دوران مداوای زخم‌ها و بررسی اینکه چه بر سرشان آمده است، قرار گرفته‌اند و خیلی معلوم نیست به کدام سو خواهند رفت. از سوی دیگر در حال حاضر همه انتقادات هم متوجه آنهاست. داعش می‌گوید مسالمت‌آمیز بودن اعتراضات و انقلاب نتیجه‌ای جز آنچه اتفاق افتاد، نداشت. اگر اخوان به جهاد و هجرت روی می‌آورد، عزت اسلام را برآورده می‌کرد؛ اما با مسالمت‌آمیز کردن مسائل، نتیجه‌ای جز فاجعه «رابعه العدویه» عاید اخوانی‌ها نشد. از همین دست انتقادات از همه سو متوجه اخوان است. (قزوینی، ۱۳۹۹)

اگر بخواهیم تغییر گفتمان اخوان را بررسی کنیم، ناگزیر باید به تغییر گفتمان دینی سپس گفتمان سیاسی این جریان اسلام‌گرا اشاره‌ای کنیم.

#### الف) تغییر گفتمان دینی

ایدئولوژی اخوان در گذر زمان دچار انشعاب فکری و عقیدتی شده است. همچنین ایدئولوژی اخوان در قبال رژیم صهیونیستی در عرصه نظری و عملی تغییر کرده، به گونه‌ای که ماهیت ضد هژمونیک خود را نزد حامیانش از دست داده است. (حمیدی و زنگنه، ۱۳۹۶: ۱۴۴) اگر اخوان المسلمین در گذشته رابطه‌ای سخت و خصم‌آلود با غرب را تعریف و مسائلی همچون فلسطین نیز این خصومت را بیشتر می‌کرد، امروز شاهدیم که در مقابل عادی‌سازی و طرح معامله قرن، منعطف‌تر موضع‌گیری می‌کند. بر این اساس اخوان المسلمین راه سومی را برگزیده و آن دوستی و داشتن رابطه با غرب است.

#### ب) تغییر گفتمان سیاسی

گفتمان سیاسی اخوان المسلمین در واکنش به تحولات و بی‌قراری‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه مصر شکل گرفت. این گفتمان اسلام‌گرا توانست عناصر و پدیده‌های جامعه مصر را در خود منحل یا آن را ساماندهی کند، و بدین ترتیب از ظرفیت و نفوذی گسترده برخوردار شود. توفیق این گفتمان در نشانه‌گذاری و معنادهی به عناصر و گروه‌های پراکنده و جداشده از گفتمان مسلط و مفصل‌بندی آنان با گفتمان خود باعث شد که بتواند از رقیبان گفتمانی خود در جامعه مصر پیشی گیرد و به تصور اجتماعی جامعه ارتقا یابد و هژمون شود. پس از هژمونی، به دلیل ناتوانی در بازسازی و بازتولید خود در فضای هژمون، از تثبیت منظومه نشانه‌های گفتمانی خود باز ماند تا شاهد تزلزل در نظم معنایی و فروپاشی خود باشد. (درویشی، ۱۳۹۴)

گفتمان سیاسی اخوان المسلمین مصر با گذار از گفتمان اندیشه‌های سیاسی نخستین (خلافت

اسلامی در تاریخ اسلام) به گفتمان کشورداری با تمرکز بر حکومت دموکراتیک و عرفی با هدف تشکیل نظام سیاسی متحول شد؛ اما این تغییر گفتمان شکست خورد. اکنون برخی گفتمان اخوان را به سمت و سوی گفتمان سلفی سوق داده‌اند. به گفته حسن ابو هنیه، کارشناس اردنی، شکست دولت اخوان در مصر موجب جذب افراد بیشتری به القاعده و گفتمان سلفی شد. به ادعای المانیتور، پس از افول اخوان المسلمین، جریان جهادی و سلفی در حال افزایش و گسترش است و اردن نیز به زودی خود را در مرکز این پدیده خواهد یافت. بر اساس گزارش‌ها، در شهرهای معان و زرقا حمایت مردمی از سلفیت جهادی در حال بیشتر شدن است. (Al-Sharif, 2013)

#### دوران بازتعریف اخوان

امروز قوم‌گرایی در جهان عرب به حاشیه رفته است، اما نمی‌توان گفت اسلام به حاشیه رانده شده است. اینکه اسلام مهم است و باید حاکمیت داشته باشد، همچنان مطرح است؛ اما مسئله مهم این است که کدام روش و برداشت از اسلام باید حاکمیت یابد؟ بستگی دارد که اسلام‌گرایان همگی در چالش با یکدیگر رقابتی منفی و حذفی را دامن زنند یا به رقابتی مثبت و گونه‌ای هم‌افزایی روی آورند؟ شاید بتوان گفت در تحرکات ۱۰ سال اخیر سهم تحول نسلی بیش از تحول گرایشی و فکری است. نسل جدید چه اسلام‌گرا، چه داعشی و چه سکولار، به گونه‌ای دیگر مسائل را درک می‌کند. نسل جدید افکار جدید و پرسش‌گری دارد که گزینه‌های مختلف را امتحان می‌کند. از همین رو اخوانی‌های جوان مصر برخی به داعش پیوستند و برخی به ترکیه رفتند. آنها خود را در پیروزی و شکستی که روی داد، سهیم می‌دانند و شاید در آینده نزدیک با افکار جدید و در عین حال پخته‌تری اسلام را به عنوان راه‌حل برگزینند. (Al-Sharif, 2013)

به عقیده خلیل العنانی، مهم‌ترین نقطه ضعف اخوان این است که در درک پیچیدگی‌های روابط بین‌الملل موفق نبوده و از تغییراتی که در سیستم بین‌الملل در حال وقوع است غافل است؛ به ویژه اخوان مصر و اردن این‌گونه هستند، زیرا هنوز در یک چشم‌انداز کار می‌کنند. آنها ماهیت نزاع اعراب و اسرائیل را عمیقاً درک نمی‌کنند و چگونگی تنظیم روابط با ایالات متحده را نمی‌فهمند؛ برخلاف حسن البنا که با هوش خود بازی روابط بین‌الملل را به خوبی درک کرد و از اختلافات محورهای بین‌المللی بین دو جنگ جهانی بهره برد. در حال حاضر اخوان دچار علائم پیری سازمانی شده است و مرشدان آن از مفهوم آزادی به عنوان یک ارزش غفلت کرده که ناشی از جهل و غفلت است. همین مسائل موجب شده است که بخشی عمده از اعضای گروه تقلیل یابند. علاوه بر این اخوان فاقد یک پروژه فکری برای تجدید گفتمان دینی است و از نظر سازمانی، با مشکلات زیادی مانند عدم اعتماد و صلاحیت در انتخاب مرشدان سازمان مواجه است. (موقع مستجدات و رؤی سویره، ۲۰۰۸)

### ج) گفتمان تبلیغی

یکی از ویژگی‌های «گفتمان تبلیغی» فاصله این گفتمان از طبقات مختلف جامعه مصر است؛ بدین معنا که این گفتمان هیچ‌گاه تناقضات و تفاوت‌ها میان طبقات مختلف جامعه را درک نکرده و اساساً فهم این تناقضات و تفاوت‌ها هیچ‌جایی در اولویت‌های اخوان المسلمین نداشته است. در حقیقت، اخوان المسلمین همواره تلاش کرده است گفتمان تبلیغی خود را بین همه قشرها و طبقات جامعه، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های میان آنها، بگستراند. در همین ارتباط وائل جمال، پژوهشگر مصری، می‌گوید: «برخی از جنبش‌ها و جریان‌های سیاسی تصور می‌کنند که نمایندگی همه قشرها و طبقات یک جامعه را برعهده دارند و به همین دلیل از برداشتن هر گامی که ممکن است به آشکار شدن اختلافات طبقاتی و مناقشات اجتماعی منجر شود، اجتناب می‌کنند. اخوان المسلمین نیز همین سیاست را پیش گرفت و هیچ طبقه‌ای را از طبقه دیگر در جامعه مستثنی نکرد. این سیاست در طول تاریخ موجب شد تا اخوان المسلمین گروه‌ها و افرادی را به سمت خود جذب کند که هر یک منافع و مصالح متفاوتی را دنبال می‌کردند.» (جمال، ۲۰۱۹)

گفتمان تبلیغی اخوان المسلمین فاقد زمینه‌های اجتماعی بود. می‌توان گفت یکی از آفت‌های اصلی و اساسی سیاست‌های معارضان در مصر این بوده است که همواره بر مسائل فرهنگی بدون در نظر گرفتن زمینه‌های اجتماعی، متمرکز شدند. به عبارت دیگر، معارضان در مصر همواره به جای تلاش برای ایجاد تغییر در موازنه‌های قدرت سیاسی و اقتصادی و نیز فروپاشی ساختار استبداد، سودجویی و فساد در کشور، به صدور بیانیه‌ها از یک سو و رجوع به دستگاه قضایی برای پایان دادن به مناقشات و درگیری‌های سیاسی از سوی دیگر، متوسل شدند. (جعفر، ۲۰۲۰)

### د) گفتمان اخلاقی

اخوان در گفتمان اخلاقی خود همه ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی ساختارهای فرهنگی را که همواره موجب افزایش فقر و فاصله طبقاتی در جامعه مصر شده است را نادیده گرفت. بنابراین هرگاه سخن از احسان و نیکوکاری و نیز دادن زکات و صدقات در میان بود، اساساً سخنی از چارچوب سیاست‌ها و راهبردهای کلی نبود.

درست است که فعالیت‌های اخلاقی و خیرخواهانه موجب کاهش تناقضات اجتماعی در جامعه می‌شوند، اما در نهایت هیچ تغییری در مؤلفه‌های قدرت اقتصادی جامعه ایجاد نمی‌کنند. در زمان حکمرانی حسنی مبارک در مصر براساس تفاهمی نانوشته میان او و اخوان المسلمین، به این جمعیت اجازه انجام فعالیت‌های اخلاقی و خیرخواهانه داده شد. اخوانی‌ها هم تلاش کردند از شدت تأثیرگذاری سیاست‌های نئولیبرالیستی که نظام مبارک از دهه ۱۹۹۰ اتخاذ کرده بود، بکاهند.

اخوان المسلمین در ازای این تفاهم نانوشته از میزان درخور توجهی از حمایت‌ها و همچنین سطح مناسبی از نفوذ سیاسی به ویژه در جریان انتخابات، برخوردار شدند.

تکیه بر گفتمان اخلاقی و انجام فعالیت‌های خیرخواهانه بدون تلاش برای ایجاد تغییرات گسترده در موازنه‌های قدرت و ثروت گاهی حتی به از بین رفتن اعتبار و آبرو و نیز نابودی اموال مصرف‌شده می‌انجامد. در این وضعیت «عدالت اجتماعی» برای تجدید نظر در توزیع عادلانه قدرت و ثروت پیاده‌سازی نمی‌شود، بلکه به گونه‌ای به کار می‌رود که بر اساس آن همه سیاست‌های موجود در نحوه توزیع قدرت و ثروت مانند گذشته ادامه پیدا خواهد کرد. یکی از پارادوکس‌هایی که در اینجا باید به آن اشاره کنیم، این است که سطح اهتمام جمعیت اخوان المسلمین به امر اجتماعی پیش از سال ۱۹۵۲ در مقایسه با دوره‌ای که از آن با عنوان مرحله دوم تأسیس اخوان در دهه ۱۹۷۰ یاد می‌شود، به مراتب بیشتر بود. سید قطب در سال ۱۹۵۱ مقالاتی درباره اصلاحات کشاورزی در نشریه «الدعوه» به چاپ رساند، اما این مقالات به رغم اهمیت داشتن هیچ‌گاه در قالب یک کتاب منتشر نشدند. به هر حال، شاید علت کاهش اهتمام اخوان المسلمین به مسئله اجتماعی در دوره مذکور به ضعف این جنبش در نوع تفکر و نگرش اسلامی باز گردد. یکی دیگر از عوامل این مسئله شاید در شکل‌گیری اختلافات میان اخوان المسلمین و جریان «چپ اسلامی» نهفته باشد.

گفتمان تبلیغی اخوان المسلمین فاقد زمینه‌های اجتماعی بود. می‌توان گفت یکی از آفت‌های اصلی و اساسی سیاست‌های معارضان در مصر این بوده است که همواره بر مسائل فرهنگی بدون در نظر گرفتن زمینه‌های اجتماعی متمرکز شدند. (جعفر، ۲۰۲۰)

۱۰. تحکم بر همه ابعاد زندگی اعضا: از اوایل دهه ۱۹۹۰ به تدریج حفاظت و حراست از موجودیت سازمان به یک هدف تبدیل شد، زیرا به آن به عنوان یک ابزار مقدس که مأموریت اصلی و اساسی‌اش عملیاتی کردن احکام اسلامی بود، نگریسته شد. با اینکه تحقیقات و پژوهش‌های متعددی چرایی نفوذ اخوان المسلمین در قشرهای اجتماعی مشخص از طبقه میانی جامعه را بررسی کرده‌اند، اما فرهنگ سازمانی حاکم بر این جمعیت که ماهیت رابطه میان آن و اعضا را ترسیم می‌کند، نشان می‌دهد که سازمان ابعاد مختلف زندگی اعضا را کنترل می‌کند. در این ساختار، فرد در جمعیت اخوان المسلمین استقلال ندارد، بلکه تحت پوشش تربیت و پرورش، بر همه ابعاد زندگی‌اش تحکم می‌شود. این مسئله خود یکی از پارادوکس‌های موجود در جمعیت اخوان المسلمین است؛ چون با اینکه این جنبش سیاست و راهبردی را پیش گرفت که باید طبق آن به توانایی‌های افراد اهمیت می‌داد، اما از طریق کانال‌های مختلف، وجود مستقل افراد در داخل ساختار سازمانی را زیر پا گذاشت.

راهبرد حاکم بر سازمان جذب حداکثری و دائم اعضاست تا دامنه حضور و تأثیرگذاری‌اش را در





قشرها و گروه‌های اجتماعی حامی خود گسترش دهد. به رغم این مسئله، همان‌طور که محمود هدهود، پژوهشگر مصری، در پژوهش خود با عنوان «ایدئولوژی اخوانی در بوته آزمایش انقلاب» گفته است، جمعیت اخوان المسلمین اجرای رویکردها و گرایش‌های ایدئولوژیک خود را به شماری محدود از افراد حافظ ساختار سازمانی که از آنها معمولا با عنوان اعضای بخش تربیت و پرورش یاد می‌شود، سپرد. افزون بر این، در زمینه تربیت و پرورش، این جمعیت از رهبرانی استفاده کرد که مصلحت سازمان و اعضای آن را بشناسند. (هدهود، ۲۰۲: ۱۱۸)

اخوان دو قاعده خیلی خطرناک دارند: نخست، قاعده «التوسع عند الشده»؛ دوم، قاعده «الضرورة توبیخ المعذورات». می‌گویند اگر منافع ما، و به زعم خودشان، منافع اسلام تأمین شود، حاضریم به شیطان هم دست بدهیم. هیچ مرز و سقف و خط قرمزی ندارند، به نحوی که کمپ دیوید را قبول می‌کنند. (مؤسسه اندیشه‌سازان نور، سید افقهی، ۱۳۹۹)

اخوان به طور فعال به محاسبه خطرهای مشارکت سیاسی و تأثیر آن بر سایر فعالیت‌ها می‌پردازند. آنها به «ترک خط فرار، حفاظت از فعالیت‌های غیر سیاسی و اطمینان از فراموش نشدن اهداف جنبش با ورود به فرآیند سیاسی» تأکید دارند. (Brown, 2012: 160)

۱۱. افسانه‌سازی علیه اخوان مصر: چه زمان مرسی یا پس از سقوط وی و حتی اکنون یک جریان رسانه‌ای قدرتمند توانست علیه اخوان مصر افسانه‌سازی کند؛ یعنی دروغ بگوید و بزرگ‌نمایی کند. به خصوص در یکی، دو سال اول، مجموعه تلاش‌ها علیه اخوان داخل مصر خیلی زیاد بود. یکی از اشتباه‌های مرسی و انقلاب مصر این بود که رسانه‌ها را نبست. (مؤسسه اندیشه‌سازان نور، رضایا، ۱۳۹۹)

۱۲. نداشتن فقه سیاسی پویا و به‌روز بودن: بزرگ‌ترین مشکل اخوان این است که در تفکرات دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ ماند و نتوانست خود را به‌روز کند. مشکل بزرگ دیگر جمعیت اخوان این است که فقه سیاسی پویا ندارد که از درون خود را به‌روز و قوی کند. در واقع اخوان خودانتقادی و خودبه‌روز کردن نداشت. (مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ابو، ۱۳۹۹)

۱۳. فقدان حلقه‌های مبنایی، اصولی و اندیشه جامع درون ساختار: به دلیل فقدان حلقه‌های مبنایی و اصولی درون ساختار اخوان، در هر مقطع زمانی گرایش‌های مختلفی در اخوان مادر شکل گرفت. شکل‌گیری اخوان‌ها در حوزه محلی مثل تونس، سوریه، لیبی و ترکیه نشان می‌دهد که اخوان اندیشه جامعی ندارد که بتوان به آن اتکا کرد. فقط می‌توان روی بعضی شاخه‌ها تکیه کرد و انتظار داشت اخوان به گونه‌ای تنظیم شود که در زمین سعودی‌ها یا زمین سلفی‌های تکفیری بازی نکند. (مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ابو، ۱۳۹۹)

۱۴. اختلافات نظری و عملی اخوان: به طور کلی اخوان در طول تاریخ و به ویژه فضای پس از کودتا دچار اختلاف نظری و عملی شده است. پس از کودتا، اخوانی‌ها امید داشتند ماجرا جمع شود، به

خصوص که تظاهرات گستره‌ای برای سالگرد کودتا ترتیب داده بودند، اما صف اخوان شکست و اصل اختلافات از درون اخوان وارد جامعه شد و علنی شد؛ به همین علت تظاهرات در ۲۰۱۶ کم‌رنگ شد. وقتی وحدت صف نباشد، زمانی که نیازمند وحدت رویه هستند نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد. (سایت شعوبا، ۱۳۹۹)

۱۵. همکاری رهبران اخوان با نیروهای نظامی و امنیتی: سران دستگاه‌های نظامی و امنیتی مصر در گام اول پس از انقلاب سال ۲۰۱۱ به فعالان انقلابی فکر کردند، اما به این نتیجه رسیدند که امکان دارد جوانان انقلابی ثبات کشور را به خطر اندازند. از این رو جمعیت اخوان المسلمین در معرض دید آنها قرار گرفت. رهبران اخوان هم خود را به عنوان یک شریک خوب برای دستگاه‌های امنیتی و نظامی معرفی کردند. اخوان المسلمین خطاب به دستگاه‌های مذکور اعلام کرد: «ما می‌دانیم چگونه با نهادها و مؤسسات قدرتمند تعامل و همکاری کنیم. ما برخلاف جوانان انقلابی، متهورانه عمل نمی‌کنیم و قدرت مؤسسات بزرگ را کوچک نمی‌شماریم. ما به صورت کاملاً حساب‌شده رفتار می‌کنیم و هیچ آزار و اذیتی برای شما نخواهیم داشت. تنها عرصه مورد اهتمام ما همان عرصه فرهنگی است. این عرصه‌ای نیست که منافع و مصالح شما را با مخاطره مواجه کند.» بر این اساس، جمعیت اخوان المسلمین تنها احترام به دستگاه نظامی و نیز دستگاه امنیتی در مصر را کافی ندانست؛ از همین رو، این جمعیت نه تنها از بسیاری از تصمیم‌های شورای نظامی حمایت کرد، بلکه در بسیاری از موارد مواضع خود را درست مطابق مواضع دستگاه امنیتی اتخاذ کرد. از جمله این مواضع می‌توان به لزوم حفظ نظام حاکم، مقابله با توطئه‌های خارجی، سرزنش کردن انقلابیون به دلیل ورود به چالش با نیروهای پلیس و... اشاره کرد. (Kandil, 2020)

همان‌طور که گفته شد، اخوانی‌ها مسیر احترام به دستگاه‌های نظامی و امنیتی مصر را پیش گرفتند. آنها هیچ‌گاه گمان نمی‌کردند که مردم در برابر دو دستگاه مذکور بایستند. این احساس در فعالان انقلابی در مصر به وجود آمد که «اخوان المسلمین» مرتکب خیانت شده و انقلاب را به نفع خود مصادره کرده است. درست به همین دلیل در تابستان ۲۰۱۳، یک ائتلاف تاکتیکی میان عناصر نظام سابق و فعالان انقلابی به وجود آمد. هدف اصلی و اساسی از تشکیل این ائتلاف ساقط کردن جمعیت اخوان المسلمین از قدرت بود. (Kandil, 2020)

#### بازسازی و احیای اخوان المسلمین

۱. بازسازی اندیشه اخوان: اندیشه از عناصر اثرگذار مهم در رفتار سیاسی نهضت‌ها و جنبش‌های سیاسی است که مراحل و مؤلفه‌های خاصی دارد و نقطه تمرکز آن تفکر و تأمل درباره پدیده‌های سیاسی است. از آنجا که پدیده‌های سیاسی در جامعه سیاسی تحقق می‌یابند، نقطه آغاز بررسی

اندیشه سیاسی، نظر به جامعه سیاسی است. (علی‌خانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۶) بر این اساس اخوان المسلمین به عنوان یک جریان سیاسی- اجتماعی باید حول محور اندیشه و تفکر حسن البنا بازسازی شود تا بتواند ابتدا در ساحت اجتماعی مصر و سپس در منطقه اثرگذار باشد.

۲. بازگشت به امت‌گرایی به جای ملی‌گرایی: مفهوم امت اسلامی یکی از مفاهیم کلیدی است که از روزهای پیدایش جهان اسلام و اندیشه‌های سیاسی مبتنی بر حکومت اسلامی، ذهن مسلمانان را به خود مشغول کرده است. امت اسلامی مفهومی کل‌گراست و شامل همه مسلمانان دارالاسلام می‌شود که پیش از انشقاق کشورهای اسلامی در عصر مدرن، تحت لوای حکومت اسلامی و خلافت تعریف می‌شدند. اخوان المسلمین از آغازین روزهای تأسیس، مفهوم امت را پررنگ‌تر از مفهوم ملت دنبال کرده است. عنصر جمعیت در اندیشه حسن البنا به جای مفهوم ملت که بر اشتراکات فرهنگی، تاریخی، روانی و نژادی تأکید دارد، بر مفهوم امت استوار بود که جنبه عقیدتی صرف داشت و از این لحاظ از معنای ملت متمایز بود. (البنا، ۱۹۹۲: ۳۲۵) اما طی دهه‌های اخیر عقاید سیاسی و مذهبی اخوان المسلمین به گونه‌ای شکل گرفته که نگاه جدید اخوانی‌ها به ملی‌گرایی متأثر از فضای عمومی ناسیونالیسم در جهان عرب است. در حال حاضر تأکید بر ملت و ملیت در اندیشه اخوان المسلمین به آرامی از یک تاکتیک فراتر رفته و به عنوان بخشی از برنامه‌های این جمعیت به شمار می‌رود. (قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۱۸) به این ترتیب اخوان المسلمین از نقش جهانی خود که همان امت‌گرایی است، کاسته و بر مسائل داخلی و ملی‌گرایی تمرکز کرده است. محور مقاومت اسلامی باید مفهوم امت‌گرایی و برادری اسلامی را در شاخه‌های اخوان پردازش کند تا مسئله آزادی فلسطین میان‌گفتمان اخوان پررنگ‌تر شود.

۳. ماندگاری و پایداری اخوان: اخوان صرفاً یک نیروی سیاسی به دنبال کسب قدرت نیست، بلکه یک هویت‌ساز با هدف شکل‌دهی دوباره به هنجارهای اجتماعی و فردیت‌های اسلامی است. در نتیجه به شدت درگیر معناسازی و خلق نمادین برای شکل‌دهی به جهان‌بینی‌ها و ادراک اعضاست. این فرآیندها به مقاومت جنبش در مقابل سرکوب، به ویژه در دوران سختی و مشقت، کمک می‌کنند و این کار را با برقراری پیوند میان اعضا و ارتقای یکپارچگی و همبستگی آنها انجام می‌دهند. گاهی سرکوب در دستان اخوان نقش بازی می‌کند و موجب توانمندسازی این جنبش در رسیدن به سه هدف کلیدی‌اش می‌شود: کسب حمایت عمومی، تقویت انسجام داخلی و دوری از تغییر داخلی. (العنانی، ۱۳۹۸: ۲۵)

۴. احیای هویت اسلامی اخوان المسلمین حسن البنا: هویت جنبش اخوان شامل پنج هنجار و ارزش کلیدی است: طرفداری، تبعیت، اعتماد، التزام و وفاداری. این پنج هنجار بیانگر هویت متمایز اخوان و تعریف‌کننده نقش آن در زندگی اعضا هستند. آنها نقشی کلیدی در اخوان‌سازی حوزه خصوصی و



اجتماعی اخوان و تقویت وفاداری اعضا بازی می‌کنند. (همان: ۲۲)

به عقیده حسن البنا، احیای هویت اسلامی تنها راه مصونیت مسلمانان در مقابل غرب نیست، بلکه همچنین باید برای آنها یک نظام جایگزین اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به وجود آورد که تمدن غرب را به چالش بکشد. (Al-banna, 2002: 255) بنابراین برای بازسازی اخوان باید ابتدا اصول و ارزش‌های اسلامی را در زندگی روزمره مردم مصر احیا کرد؛ سپس راه‌حلهایی برای مشکلات جامعه در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ارائه داد تا جامعه مصر را از فضای غربی شدن برهاند. در واقع برای احیا و ارتقای هویت اسلام حقیقی و نزدیک شدن اخوان به محور مقاومت باید به عموم افراد مراجعه کرد و نباید دیدگاه‌های محور مقاومت را به حلقه‌های نخبگان و روشنفکران مصری محدود کرد.

۵. بازیابی هویت اسلامی مصر: تنها روش دستیابی به راهبرد حفظ ماهیت اسلامی مصر ایجاد هسته‌ای درون اخوان با توانایی شکل‌دهی دوباره به هویت و ادراک با توسل به ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی است. ترسیم هویت جدید برای جامعه مصر نیاز به زمان و مطالعه دقیق در بستر جامعه‌شناسی دارد، اما گروه بازسازی‌شده از اخوانی‌ها باید همچون حسن البنا به هویت اسلامی در قلب و مرکز جهان‌بینی‌شان توجه کنند. حسن البنا تلاش کرد خود و جنبش خویش را به عنوان منجی نه فقط اسلام و مسلمانان بلکه کل جهان معرفی کند. او به اختصار اظهار کرد: «درخواست ما، درخواست احیا و نجات بشریت است.» (Al-banna, 2002: 25) بنابراین باید از سوی محور مقاومت اسلامی مدل هویتی مقتضی به زمان حاضر طراحی شود تا شمار زیادی از مصری‌ها را به خود جذب کند.

۶. نهادینه‌سازی جهان‌بینی اخوان حسن البنا و محور مقاومت از طریق احیای هنجارها: پیوند حساسی میان هویت اخوان و ساختار آن وجود دارد. این پیوند چنان تنظیم شده است که موجب تشدید و ارتقای فرایند آموزش و تلقین شود. هنجارها و مقررات اخوان از اعضا می‌خواهد به شیوه‌ای عمل کنند که با اهداف و جهان‌بینی آن انطباق داشته باشد. بنابر دیدگاه ملوچی، هنجارها به نقطه‌ای اشاره می‌کنند که در آن نیازهای عملیاتی (تخصیص منابع) با نیازهای ترکیب و کنترل (قدرت) در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند (Melucci, 1996: 77) بنابراین با بازسازی و احیای هنجارهای حسن البنا در میان جوانان مصری می‌توان به نهادینه‌سازی جهان‌بینی اخوان حسن البنا و نزدیکی آن به محور مقاومت اسلامی کمک شایان توجهی کرد.

۷. دوستی و تقریب مذاهب: از ویژگی‌های دیگر رهبری حسن البنا اجتناب از جدال‌های مذهبی و فرقه‌ای و تلاش برای تقریب مذاهب بود. این مسئله سبب شد تا در دوره او، روابط اخوان با شیعیان بهبود یابد. (شقاقی، ۱۳۷۵: ۱۶۸)

حسن البنا علاوه بر داشتن یک راهبرد منسجم و کلی در عرصه نظری مبنی بر وحدت امت

اسلامی، در عرصه عملی هم درصدد بود با کاربست راهبرد گام به گام با گذار از جامعه مصر به تشکیل حکومت اسلامی در این کشور با وحدت جهان عرب در نهایت به وحدت دنیای اسلام دست یابد. این هدف به خوبی ترسیم شده بود و در قالب راهبرد گام به گام برای تبدیل جنبش به یک ائتلاف ضد هژمونیک در حال تحقق بود. اما پس از وی، بروز انشقاق فکری - تشکیلاتی در اخوان باعث پیدایش راهبردهای افراطی و تفریطی کوتاه‌مدت شد؛ از این رو راهبرد کلان و بلندمدت در چشم‌انداز آینده جنبش شکل نگرفت. (حمیدی و پیمان‌زنگه، ۱۳۹۶: ۱۵۷)

۸. تغییر تاکتیک انطباق‌پذیری اخوان: ناتان براون اظهار می‌کند رژیم‌ها خط قرمزی به وجود می‌آورند که اسلام‌گرایان را به سوی تعقیب اکثریت در انتخابات هدایت می‌کند. در مجموعه‌های اقتدارگرا، اسلام‌گرایان به شیوه‌ای ماهرانه از فرصت‌های سیاسی برای ارتقای دستاوردهای سیاسی خود بهره می‌گیرند، اما آنها تمایلی به تحریک رژیم ندارند. براون شرح می‌دهد که جنبش‌های اسلام‌گرا سازمان خود را منطبق با شرایط می‌سازند و ایدئولوژی‌های خود را ترکیب و منعطف می‌کنند، اما نگران این احتمال هستند که باز شدن فضای سیاسی موجب ناکامی یا شکست آنچه آرزو دارند، شود. نتیجه آن، بازی موش و گربه میان رژیم‌های مسلط و جنبش‌های هوشیار است. (Brown, 2012: 2-3) البنا تلاش‌هایی برای انطباق و متناسب‌سازی هویت اسلامی با نظام سیاسی موجود مصر انجام داده بود. (Al-banna, 2002: 136) این انعطاف‌پذیری تاکتیک کلیدی برای پایداری و ماندگاری اخوان آن دوره بود. اما این تاکتیک با محور مقاومت اسلامی همسویی ندارد، بلکه اخوان باید از انطباق با دولت مستقر به انطباق با اسلام (دولت مطلوب) روی بیاورد. این نکته باید در اندیشه بازسازی‌شده لحاظ شود.

۹. بازتولید ایدئولوژیکی و مذهبی: با در نظر گرفتن تغییرات اساسی که در صحنه سیاسی مصر پس از برکناری محمد مرسی از ریاست‌جمهوری (۲۰۱۳) اتفاق افتاده، اخوان‌المسلمین نیز تغییرات سازمانی و ایدئولوژی زیادی داشته است. اخوان در دوره پس از مرسی اقدام به تأسیس نهادهای غیررسمی در قالب سازمان رسمی خود کرده است. این نهادها که شامل گروه‌های مختلفی می‌شوند اقدام به انتشار پیام‌های سیاسی و سازماندهی اعتراضات می‌کنند. (قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۷۰) توقیف دسته‌ای اعضای اخوان سبب شده است تا فعالیت‌های این جنبش حالت غیر متمرکز به خود بگیرد و موجب درهم شکستن روابط سلسله‌مراتبی آن شود. این موضوع باعث افزایش قدرت اعضای حلقه‌های پایین‌تر در سطح منطقه‌ای شده است؛ زیرا سازمان‌های خرد بهترین تاکتیک برای اجرای سیاست‌های جنبش با پرداخت کمترین هزینه هستند. اکنون ساختار خوشه‌ای جایگزین ساختار سلسله‌مراتبی سنتی اخوان و حلقه‌های سه نفره جایگزین حلقه‌های هفت نفره شده است تا خطرهای امنیتی برای فعالیت کاهش یابد. در واقع بازتولید ایدئولوژیکی و مذهبی جنبش یکی از اهداف مهم اخوان‌المسلمین پس از مرسی



بود. در این میان تربیت نیرو و نقطه کلیدی برای نیل به این مهم است. (موسوی جشنی و عباس علی بخشی، ۱۳۹۸: ۸۱)

۱۰. کسب پایگاه اجتماعی اخوان المقاومة: کسب پایگاه اجتماعی لازم که اهمیتی اساسی در کسب و حفظ قدرت دارد مقوله‌ای است که هم به مبانی فکری سیاسی و عقیدتی و هم به مواضع سیاسی و نیز تجربه‌های تاریخی پیوند می‌خورد. (دارا و مصطفی کرمی، ۱۳۹۴: ۶۲) اخوانی که محور مقاومت به دنبال احیای آن است باید پایگاه اجتماعی در جامعه داشته باشد تا بقا و فعالیتش با مشکل مواجه نشود.

#### ظرفیت‌های موجود اخوان به نفع محور مقاومت

سرکوب شدید اخوان در مصر به دست رژیم سیسی نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی به پویایی داخلی و تغییر توازن نیرو در سازمان اخوان داشته است. سرکوب می‌تواند به رابطه دیالکتیکی میان سرکوب و انسجام داخلی اخوان کمک کند.

۱. گرویدن اخوانی‌ها به مذهب تشیع: تعدادی از اعضای گروه‌های اسلام سیاسی به ویژه اخوان المسلمین مصر به مذهب تشیع روی آورده‌اند. علاء السعید، کارشناس مصری، در گفت‌وگو با پایگاه رصیف ۲۲ درباره روی آوردن اخوانی‌ها به مذهب تشیع گفته است: اشخاص بسیاری که اکنون رهبران شیعه مصر هستند تجربیاتی درون سازمان اخوان داشته‌اند. السعید معتقد است که تشیع ریشه‌های عمیقی در گروه‌های اسلام سیاسی مصر (اخوان المسلمین) دارد.

الدمرداش العقالی، یکی از بنیان‌گذاران معاصر اخوان حسن البناء، در مصاحبه‌های مطبوعاتی تأیید کرده بود که تجربه‌اش با اخوان حدود ۱۵ سال قبل از تغییر مذهب دوام داشته است. العقالی قبل از اینکه یکی از منابع مهم شیعه در مصر شود، با احمد راسم النفیس، قطب شیعه مصر که عضوی از اخوان بین سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۸۵ بود، ارتباط داشت و سپس به مذهب تشیع گروید. همچنین محمد ابراهیم، که جزء اخوانی‌های اسکندریه بود، در سال ۲۰۰۳ شیعه شد.

محمد ابراهیم الحسینی قبل از تغییر مذهب و گرویدن به تشیع از اعضای مهم اخوان المسلمین بود. وی در مصاحبه‌ای گفته است: ما همیشه در جلسه خانوادگی اخوان در اسکندریه شرکت و درباره حزب الله و دستاوردهایش در جنگ با اسرائیل صحبت می‌کردیم. انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی موضوع همیشگی حلقه‌های بحث اخوان بوده و اخوان مصر آرزو داشته به آنچه در ایران محقق شده است، برسند. (الجدی، ۲۰۱۸)

۲. حضور اخوانی‌ها در جریان‌های خیابانی: اگرچه امروز مکتب ارشاد خیلی به حضور خیابانی تشویق نمی‌کند، اما همچنان بسیاری از اخوانی‌ها در جریان‌های خیابانی حضور دارند. همین حضور

نشان از زنده بودن تشکیلات سنتی اخوان دارد. (سایت شعوبا، ۱۳۹۹)

۳. تجربه شکست: اخوان پس از افت ووخیزهای فراوان در طول حیات خویش چه در دوره ناصری، ساداتی و مبارکی در مصر، چه در دوران اختناق وحشتناک حبیب بورقبیه و بن علی در تونس، چه در دوران موش و گربه‌بازی مرحوم حسن ترابی و عمر البشیر در سودان و چه در دوران طلایی و اوج قدرت‌گیری مرسی در مصر تجربه‌های ذی‌قیمتی دارند که بدون شک چراغ راه آینده آنها خواهد بود. در حال حاضر طیف‌های مختلف اخوان در مجموع به این نتیجه واحد رسیده‌اند که باید پوست‌اندازی کنند و جامه‌ای نو و متناسب با وضع روز بر تن نمایند. به نظر می‌رسد قلب اخوان سنتی با سقوط مرسی و زندانی شدن کادرهای اصلی اخوان از کار ایستاده و در حال حاضر فقط اسمی از آن باقی مانده است.

اما به‌رغم اختلافاتی که در جناح‌های مختلف بین‌الملل اخوان وجود دارد، همه کادرهای اصلی به این ضرورت جمعی رسیده‌اند که اخوان نیز باید دوران گذار را پشت سر بگذارد و به آینده‌ای متفاوت و با راه و رسمی نو بیندیشد. گرچه ممکن است در اجرای تاکتیک دیدگاه‌ها متفاوت باشد، اما در راهبرد تغییر وحدت نظر وجود دارد.

۴. مخالف اخوان با عادی‌سازی روابط کشورهای عربی-رژیم صهیونیستی: اخوان بارها از ملت‌های عربی و اسلامی خواسته که مخالفت خود را با چرخش به سمت عادی‌سازی با صهیونیست‌ها و دور زدن جریان مبارزات فلسطین اعلام کرده و از ارائه هر نوع حمایتی برای آزادسازی سرزمین و تشکیل دولت مستقل فلسطین به پایتختی قدس شریف دریغ نکرده است. اخوان المسلمین مصر در بیانیه‌های منتشر شده در سایت رسمی اخوان حمایت‌های خود را از فلسطین دریغ نکرده است. اخوان المسلمین همچنین بر موضع اصولی خود در مخالفت با عادی‌سازی روابط با رژیم اشغالگر از سوی هر کشور عربی و اسلامی و به هر شکل و زمینه‌ای که باشد، تأکید دارد و هر گونه رویکردی در این زمینه خیانت به آرمان فلسطین و مسئله نخست اعراب و مسلمانان است. (موقع اخوان المسلمون، ۲۰۲۰)

#### ملاحظات اخوان برای برقراری رابطه با محور مقاومت

اخوان المسلمین با حفظ رویکرد پراگماتیستی خود، اگر روابطی غیررسمی با محور مقاومت اسلامی برقرار کند، امکان ارتباط با سایر بازیگران مهم منطقه‌ای را از دست نخواهد داد.

ضعف فعلی اخوان المسلمین و تصویر منفی ایران و محور مقاومت اسلامی میان بسیاری از دول سنی عرب نشان از موانعی در راه ارتقای روابط این دو طرف دارد.

رهبران فعلی این جماعت تحلیلی از آینده ندارند و منتظرند مسائل خارجی تغییری در شرایط ایجاد



کند. از منظر راهبردی، جریان اخوان اولویت‌هایی را در منطقه دنبال می‌کند که به طور مستقیم با سیاست منطقه‌ای ایران و محور مقاومت اسلامی در تضاد نیست و حتی ممکن است در یک راستا قرار گیرد. از جمله محورهایی که اخوان در کنار ایران و محور مقاومت اسلامی در برابر محور موسوم به اعتدال عربی جای می‌دهد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (احمدیان، ۱۳۹۸: ۲۰۶)

1. طرفداری از گفت‌وگوی شیعه- سنی: اگر چه چهره‌هایی همچون قرضاوی در دوره بهار عربی از گفت‌وگوی شیعی- سنی برگشتند، اما امروز بار دیگر چهره‌هایی همچون بنی ارشید بر آن تأکید می‌کنند. طبعاً در شرایط فعلی عربستان، ایالات متحده و اسرائیل با چنین رویکردی مخالف هستند و در برابر آن قرار می‌گیرند.

2. مخالفت با هیمنه عربستان بر تصمیم‌سازی عربی و اسلامی: جریان منطقه‌ای اخوان در شرایط بغرنج پس از سرنگونی مرسى، رهبری عربستان را به صورت تاکتیکی پذیرفت. این جریان در برابر سیاست فعالانه عربستان گزینه‌های منطقه‌ای خود را بازبینی و از همراهی با عربستان احتراز می‌کند.

3. مخالفت با همراهی گفتمان و کنش ضد اسلامی آمریکا: عربستان سعودی و متحدانش آشکارا اهمیتی به گفتمان ضد اسلامی آمریکا نمی‌دهند، بلکه خواستار همراهی با ایالات متحده و اسرائیل در برابر ایران و متحدان منطقه‌ای آن هستند. اما جریان منطقه‌ای اخوان همراهی محور موسوم به اعتدال عربی با آمریکا را به زیان مشروعیت اسلامی خود و در مجموع جهان اسلام می‌داند.

4. مخالفت با جایگزینی ایران به جای اسرائیل به عنوان دشمن نخست عرب‌ها و مسلمانان: این سیاست را عربستان ملک سلمان دنبال می‌کند؛ از این رو امروز پشتیبانی حکومت ترامپ و همراهی اسرائیل با محور موسوم به اعتدال عربی دنبال می‌شود. یکی از دلایل چرخش جریان منطقه‌ای اخوان پیگیری این سیاست از سوی عربستان است.

#### نتیجه‌گیری

همانطور که گفته شد، تشکیلات بین‌المللی اخوان که پیش از سقوط مبارک در همه کشورها شاخه داشت و فعال بود، امروز فروپاشیده است و تفکر واحدی اکنون در اخوان وجود ندارد. گفتمان جماعت اخوان تغییر ملموسی نداشته که حاکی از شناخت آنان از حجم تحولات منطقه باشد؛ بنابراین نه گامی برای حل بحران زندانیان خود برداشته‌اند و نه طرحی برای حل همه مشکلات خود ارائه کرده‌اند. حتی شاهد نوعی دگردیسی فکری در اخوان هستیم و بخشی هم به سمت سلفی‌گری رفتند. همه این مسائل، پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های تعامل با اخوان را به شدت افزایش داده است. بنابراین ایجاد تعادل خیلی پیچیده است؛ زیرا علاوه بر پیچیدگی‌های متعدد، اخوان مصر امروز زمین‌گیر است و نیاز به احیا دارد. این مسئله هم می‌تواند فرصتی برای ایران باشد و هم



بر پیچیدگی‌های تعاملات بیفزاید.

در حال حاضر مجموعه اخوان با طیف‌های مختلفی که دارند، در مجموع به این نتیجه واحد خواهند رسید که باید پوست‌اندازی کنند و جامه‌ای نو و متناسب با شرایط روز بر تن نمایند. به نظر می‌رسد قلب اخوان سنتی با سقوط مرسی و زندانی شدن کادرهای اصلی اخوان از کار ایستاده و در حال حاضر فقط اسمی از آن باقی مانده است. اما به‌رغم اختلافاتی که در جناح‌های مختلف بین‌الملل اخوان وجود دارد، همه کادرهای اصلی به این ضرورت جمعی رسیده‌اند که اخوان نیز باید دوران گذار را پشت سر بگذارد و به آینده‌ای متفاوت و با راه و رسمی نو بیندیشد. گرچه ممکن است در اجرای تاکتیک دیدگاه‌ها متفاوت باشد، اما در راهبرد تغییر وحدت نظر وجود دارد.

بازسازی و ایجاد تشکیلات اخوانی که بتواند در دایره محور مقاومت جای بگیرد به عواملی بستگی دارد از جمله: پیوند دادن گذشته اخوان با وضع موجود برای تقویت هویت از دست رفته اعضای اخوان، به حاشیه راندن اختلاف روشی میان محور مقاومت و اخوان، همسویی نسل جوان اخوان با اندیشه‌های بنیان‌گذاران اخوان، تلاش برای تقریب با بسط اعتدال و برای بازگشت به گفتمان حسن‌البناء و سلف اخوان، نیاز است یک جریان فکری گفتمان‌ساز قوی و اسلام‌گرای عام و نزدیک به محور مقاومت در درونش شکل بگیرد.



## منابع و مأخذ

- بهزاد قاسمی، اخوان المسلمین مصر و تجربه نظام سیاسی؛ از برآمدن حسن البنا تا برافتادن محمد مرسی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۴.
- بهمن آقایی و خسرو صفوی، اخوان المسلمین، تهران: انتشارات رسام، ۱۳۶۵.
- خلیل العنانی، از درون اخوان المسلمین، دین، هویت و سیاست، ترجمه مسعود منزوی، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۸.
- ریچارد میشل، جمعیت اخوان المسلمین، ترجمه سید هادی خسروشاهی، چ ۲، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۵.
- سید هادی خسروشاهی، «حرکت‌های اسلامی معاصر استراتژی نظام و مسئله شیعه و سنی»، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۲.
- علی‌اکبر علیخانی و همکاران، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، دوره ۱۹ جلدی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی، ۱۳۹۰.
- فتحی شقاقی، جهاد اسلامی، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵.
- آصف بیات، «مقایسه جنبش‌های اسلامی در ایران و مصر»، مجله گفتگو، ش ۲۹، ۱۳۷۹.
- جلیل دارا و مصطفی کرمی، مقایسه انقلاب اسلامی ایران و انقلاب ۲۰۱۱ مصر در پرتو بررسی دو جریان روحانیت ایران و اخوان المسلمین مصر، پژوهش‌های راهبردی سیاست، س ۴، ش ۱۴، پاییز ۱۳۹۴.
- حسن احمدیان، «ایران و اخوان المسلمین تأثیر بحران ۲۰۱۷ قطر»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۹، ش اول، بهار ۱۳۹۸.
- حمید علیزاده، «بررسی تغییر گفتمانی اخوان المسلمین»، هفته‌نامه بدر، ش ۱۸۵، ۱۳۹۹/۱۱/۲۷.
- سمیه حمیدی و پیمان زنگنه، «مقایسه تأثیر سیر تحول فکری تشکیلاتی بر کنشگری حزب‌الله لبنان و اخوان المسلمین مصر»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی، س ۱۳، ش ۲، پیاپی ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.
- سمیه حمیدی و پیمان زنگنه، «مقایسه تأثیر سیر تحول فکری تشکیلاتی بر کنشگری حزب‌الله لبنان و اخوان المسلمین مصر»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی، س ۱۳، ش ۲، پیاپی ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.
- سید صدرالدین موسوی جشنی و عباس علی بخشی، «بررسی نقش مردم در اندیشه سیاسی جنبش اخوان المسلمین»، دوفصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۷، ش ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.
- شیخ نعیم قاسم، «حزب‌الله لبنان خط و مشی گذشته و آینده آن»، ترجمه محمد مهدی شریعتمدار، چ ۳، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۷.
- عبدالرضا درویشی، «تحول گفتمان سیاسی اخوان المسلمین مصر، شکل‌گیری، هژمونی و فروپاشی»، وزارت

علوم، تحقيقات و فناوري، دانشگاه ياسوج، دانشكده علوم انساني، پايان نامه كارشناسي ارشد، استاد راهنما حمدالله اكواني، ۱۳۹۴.

- مجله پاسدار اسلام، «پيدائش اخون المسلمین»، ش ۳۶۷، تیر ۱۳۹۱، [hawzah.net](http://hawzah.net).
- مجله نامه جامعه، «پيدائش اخوان المسلمین»، ش ۱۰۶، مهر و آبان ۱۳۹۲.
- ياسر قزوينی، «بررسی تغييرات گفتمانی اخوان المسلمین؛ چرخش اخوانی ها به سمت ليبراليسم»، ۱۳۹۹/۰۶/۳۱، <http://shouba.ir>.

#### منابع عربي

- حرب الغزالي، الاحزاب السياسييه في العالم الثالث، عالم المعرفة، رقم ۱۹۸۷، ۱۱۷، ص ۷۵.
- حسن البنا، مجموعه رسائل الامام الشهيد حسن البنا، قاهره: دارالتوزيع و النشر الاسلاميه، ۱۹۹۲
- خليل العناني، الإخوان المسلمین: الدين والهوية والسياسة، مطبوعات أكسفورد، ترجمة الشبكة العربية للدراسات، ۲۰۱۶، ص ۲۱۸.
- محمود هدهود، ثورة يناير رؤية نقدية، تحرير عمرو عبد الرحمن، القاهرة: دار المرايا، ۲۰۲۰، ص ۱۱۸
- أحمد الجدي، «لماذا يتشيع بعض أعضاء الإخوان والجماعة الإسلامية في مصر؟»، ۲۰۱۸/۱۲/۲۰، رصيف ۲۲، <https://raseef22.net>
- أحمد الريسوني، «ارتحت لإسقاط مرسى، والإخوان المسلمون يعانون جموداً فكرياً»، ۲۰۱۶/۱۱/۲۶، <https://arabic.cnn.com>
- «الإخوان المسلمون في مصر بعد عقد على ثوره يناير: من رأس السلطه الى المنفى والسجون»، ۲۰۲۱/۰۱/۲۱، <https://www.france24.com>.
- جفرا نيوز، «لماذا أعادت جماعة الإخوان المسلمین استخدام مصطلح «الحركة الإسلامية».. تحايل على القانون أم هروب للأمام؟»، ۲۰۲۱/۰۲/۲۰، <https://jfrnews.com>
- حوار مع حازم قنديل، «الإخوان المسلمون من الداخل»، ۲۰۱۷/۰۳/۱۴، [www.aljazeera.net](http://www.aljazeera.net).
- عبدالرحمن محمد، «إخوان مصر ۲۰۲۱ مستقبل التنظيم و العلاقة مع النظام»، الجزيرة نت، ۲۰۲۰/۱۲/۳۱، <https://www.aljazeera.net>
- موقع إخوان المسلمون، «نعلن التبرؤ من كل المطبعين مع الصهاينة»، ۲۰۲۰/۱۲/۲۶، <https://ikhwanonline.info>
- موقع مُستجدات و رؤى سويسرية، «الإخوان بعد ۸۰ عاماً.. كشف حساب للماضي وسبر لاحتمالات المستقبل»، ۲۰۰۸/۰۹/۲۱، <https://www.swissinfo.ch>
- الميادين نت، «أين فلسطين في ثوابت الإخوان المسلمین من مصر إلى تونس وتركيا وسوريا؟»، ۲۰۲۰/۱۲/۲۴، <https://www.almayadeen.net>

- میدل ایست آی، «شیعه و اخوان المسلمین؛ اتحادی غیرمنتظره در راه است؟»، ۱۶/۱۱/۱۳۹۷،  
<https://www.middleeasteye.net/>
- هشام جعفر، «الإخوان المسلمون والمسألة الاجتماعية»، الجزیره نت، ۲۳/۰۶/۲۰۲۰،  
<https://www.aljazeera.net/>
- هشام جعفر، «الإخوان المسلمون والمسألة الاجتماعية»، الجزیره نت، ۲۳/۰۶/۲۰۲۰،  
<https://www.aljazeera.net/>
- وائل جمال، «الرأسمال الضائع: التحول النيولیبرالی لجماعة الإخوان فی مصر»، مرکز کارنیجی، ۱۸/۰۲/۲۰۱۹،  
[https://carnegie-mec.org.](https://carnegie-mec.org/)
- یاسر فتحی، «اتجاهات شباب جماعة الإخوان المسلمین فی مصر»، مؤتمر الجيل والانتقال الیدیمقراطی، المرکز العربی للأبحاث ودراسة السياسات، تونس، سبتمبر ۲۰۱۷،  
<https://bit.ly/2miRzVh>

#### مصاحبه

- اندیشکده راهبردی تبیین، مصاحبه با عباس خامه یار، «رابطه با اخوان المسلمین؛ در کنار پیامدها، فرصت‌ها را هم ببینیم!»، ۲۴/۰۴/۱۳۹۸،  
<http://tabyincenter.ir>
- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مصاحبه با حمید عظیمی، «تأثیر سیاست‌های عربستان بر مناسبات اخوان المسلمین و محور مقاومت»، ۲۰/۰۳/۱۳۹۹،  
<https://mersadcss.com>
- جواد ابو، «چگونگی احیای اخوان المسلمین حسن البنا و فعال شدن آن در محور مقاومت»، نشست تخصصی کارگروه آفریقا در مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ۲۰/۱۱/۱۳۹۹.
- رضانیا، علیرضا، «امکان‌سنجی سوق دادن جریان اخوان به سمت حوزه مقاومت بر اساس قرائت حسن البنا»، نشست تخصصی کارگروه آفریقا در مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۳/۱۱/۱۳۹۹.
- سایت شعوبا، مصاحبه با محمد طلائی، «اختلافات از دوگانه «قطبی - اصلاحی» فراتر رفته»، آبان ۱۳۹۹،  
<http://shouba.ir>
- سیدهادی سید افقهی، «امکان‌سنجی سوق دادن جریان اخوان به سمت حوزه مقاومت بر اساس قرائت حسن البنا»، نشست تخصصی کارگروه آفریقا در مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۳/۱۱/۱۳۹۹.
- مؤسسه اندیشه‌سازان نور، مصاحبه با محمد طلائی، کارگروه آفریقا، ۲۰/۱۲/۹۹.

#### منابع انگلیسی

- Alberto Melucci, Challenging Codes: Collective Action in the Information Age, Cambridge, Uk: Cambridge University Press, 1996.
- Hasan Al-banna, "Our Internal Problems in Light of the Islamic Order," in Majmuat Ar-rasail, 2002.

- Interview with Hazem Kandil, "Inside the Brotherhood (Part One), 08/06/2020, [www.lesclesdumoyenorient.com](http://www.lesclesdumoyenorient.com)
- Khalil Al-Anani, "Devout Neoliberalism?! Egypt's Muslim Brotherhood's Socio-economic Perspective and Policies", Politics and Religion, 2020, p.4.
- Nathan Brown, When Victory Is not an Option: Islamist Movements in Arab Politics, Ithaca, NY: Cornell University Press, 2012, p. 2-3.
- Osama Al-Sharif, "Rise of Local Salafist Jihadists Worries Jordan's Government," al-Monitor, July 3, 2013

